

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام علی بن ابی طالب (ع)

تاریخ خلیفہ دوم قرن اول اسلام

واقعی صفین

عبد الفتاح عبدالمقصود

سایہ سخن

مَم شَامِه

Abdal - Maqṣud, Abdal - Fattah

عنوان رقم اردای

عنوان و نام پدیدآور

عبدالمقصود؛ مترجم محمد مهدی جعفری

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شاکی

9VA-60-63-F-22-9:2; 9VA-60-63-F-22-9:2;

9VA-600-63.4-10-0 27 9VA-600-63.4-11-3:47

9VA-900-93.4-27-4 :V; 9VA-900-93.4-29-V :9;

QVA-90-FR-F-2A-1 2A

وضعیت شهر سقز

میں نے حیات

ح. ۴. واقع صفحہ: ۵. بازی حکمت، حرر غوغای نیر و ان

ج. ۷. نظام به ادبی، ج. ۸. غروب خود شد

: تاریخ تحلیلہ، نمبر قدیم اول اسلام

علم من اساطيب (ع) امام اول، ۲۳ ق

۱۰۰ : اسلام - قیام - از آغاز تا (۴۱ق)

خلفای راشدین:

: جعفری، محمد

BP27/30/ع2 الف ٨٠٤١ ١٣٩٠ :

24V/901 :

२५२.४८१ :

1	1
---	---

امام علی بن ابی طالب (ع) جلد چہارم: واقعہ صفین

نویسنده: عبدالفتاح عبدالمقصود مترجم: سید مهدی جعفری

ناشر: سایه سخن لیٹوگرافی و چھاپ: واصف

نویسندہ: چاب: اول ۱۳۹۰ ش۔ مارگان: ۱۰۰۰ جلد

بها دوره: ۱۲۳۵۰۰ تومان

➤ تلف: ٠٩١٢٦٤٩١٨٢٨ - ٦٦٤٧٥٤٢١ - ٦٦٤٧٥٤٢٠

➤ نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوی بهشت آیین،

یلاک ۱۹، طبقہ همکف

www.ketab.ir

فهرست مطالب

سخن مترجم

از صفحه نه تا صفحه پانزده

سوداگران فرصت طلب

از صفحه ۳ تا صفحه ۸۹

- کاغذ نشینی نباهی به باز می‌آورد .
۵ موبک امام در میدان عمومی شهر فرود می‌آید .
کوفه، وجدان بیدار جنبشهای ملی و ضد طبقاتی، مرکز حکومت
۲۰ علی میشود.
پیغام فاطم و روشن امام برای معاویه .
۳۵ تا احمدی فریبخوردہ‌ای هست، معاویه میتواند به پیروزی خود
امیدوار باشد!
۴۷ عمرو عاص یی که کلید دنیا پرستی در دست توست!
۵۸ سوداگران به توافق میرسند .
۶۸ بیدار ساختن تعصبات قبیله‌ای، تنها راه بسیج ساده‌اندیشان شام به جنگ
۷۸ علی است!

معاویه

از صفحه ۹۱ تا صفحه ۱۹۲

- نیرنگ معاویه برای فریفتن افکار عمومی شام و شرحیل!
۹۳ افکار عمومی فریب تبلیغات را می‌خورد و علی را قاتل عثمان میداندا
۱۰۱

- ۱۰۸ جنگ الفاظ و نقش اشعار سیاسی
- ۱۲۰ نامه‌ها و جاسوسان، پیش درآمدهای جنگ صفین میباشند.
- ۱۳۱ عُبَیدالله بن عمر جانیکنار، یکی از عوامل فریبکاری معاویه است
برندگان درهم و دینار، سیاستمدار با تقوا را گذاشته، به فرصت طلب
شام پناه میبرند
- ۱۴۱ امیرشام از نرمش کارگزار امام در مصر هراسان است
- ۱۶۱ سوداگر پیمانه‌ای باز میگرداند، تا پیمانه‌ها به غنیمت گیردا
- ۱۷۱ فرصت طلب در میان بیم و امید دست و پا میزند.
- ۱۷۸ نوطه علیه کارگزار امام مصر.
- ۱۸۵

در مسیر جنگ

از صفحه ۱۹۵ تا صفحه ۲۴۳

- ۱۹۷ پیشتازان حزب خدا حرکت میکنند
- ۲۰۷ امام، در رأس سپاه خویش، به سوی شام رهسپار میگردد.
- ۲۱۶ آینه‌های عبرت را مینگرند، و عبرت میآموزند
- معاویه برای مقابله با سپاه عظیم امام، باز هم به نوطه و اغوا
میزدازد
- ۲۲۱ امام نوطه را بی‌اثر میسازد
- ۲۳۱ آخرین و تمام حجت امام با اعلام جنگ معاویه روبه‌رو میشود.
- ۲۳۷

برقراری آب

از صفحه ۲۴۵ تا صفحه ۳۶۰

- ۲۴۷ نخستین برخورد پیشتازان عدالت با جلوداران تجاوزکاری و خیانت
نوطه معاویه برای انفجار فرات، پیشتازان امام را از موضع
مستحکم دور میسازد
- ۲۵۴ فاجعه احد، بار دیگر در صفین، تکرار میشود
- ۲۶۲ معاویه آب را میندازد
- ۲۷۰ آغاز ستمگری است نه پیروزی
- صف آرای خردمندانه رزمی امام، با تاکتیک اشتباه فرماندهان

فهرست مطالب	هفت
خلل‌پذیر می‌گردد!	۲۸۲
هدف علی از نبرد، گرفتن آب نمیشد!	۲۹۳
امید به آشتی در ماه آتشبس، از بین می‌رود .	۳۰۲
مذاکره در صلح مسلحانه انجام می‌گیرد .	۳۱۲
ماه‌های آتشبس سپری میشود و برخوردهای انفرادی تجدید می‌گردد .	۳۲۳
معاویه و عمرو عاص هم به دفاع از دین نظام‌میکند!	۳۳۳
هر دو ارتش خود را برای جنگی همگانی آماده‌میکند .	۳۴۱
امام با تمام افراد سپاه به جنگ می‌رود .	۳۵۰

پایمردی سلحشوران

از صفحه ۳۶۱ تا صفحه ۴۱۶

فرمانده امام، سرمست از پیروزی آغاز کار، از سرانجام نبرد غافل میشود .	۳۶۳
آنکس که در هنگامه نبرد خود را تمیازد .	۳۷۱
ایستادگی دوباره مردان، یاران خزاعی را جان تازه میبخشد	۳۸۲
از ترس شمشیر علی، معاویه خود را پنهان می‌سازد و عمرو عاص عورتش را آشکار میکند!	۳۹۲
داس مرگ درو میکند و ریمه همچنان پایرجاست!	۴۰۵

www.ketab.ir

سخنِ مترجم

باسمه تعالی

روزگار سراسر درس است و حوادث آن بهترین آموزگار. اگر گوش شنوا و چشم بینا و دل گنجایش داری باشد میتواند سودمندترین درسها را از تاریخ بیاموزد و شایسته ترین عمل را پیش خود سازد و مناسب ترین طرح و نقشه را برای آینده خود و ملتش بریزد.

هر جامعه ای که از گذشته های پربار و سرشار درس نگیرد، جامعه ای ایستا و اکتد است، و بنا به قانون طبیعی و ناموس آفرینش از رکود گذشته میشود و چه بسا با ذلت و بدنامی در زباله دانی تاریخ بیفتد؛ اما مجتمع یوبا و با نجرک، تمام پیشامدهای دور و نزدیک گذشتگان را مورد سنجش و ارزیابی قرار میدهد، با چشمی باز و سینه ای گشاده به نقادی می نشیند. سره ها را برمیگزیند و ناسره ها را به دور می افکند، این چنین جامعه ای رو به تکامل میرود و همگام با جهان متکامل آفرینش گام بر میدارد.

مطالعه تاریخ هر قومی این هدف را سودبخش است، ولی بررسی و تحلیل و شکافتن و ژرفنگریستن در تاریخ قوم خود، گذشتگان مستقیم خویش، و مورثان با واسطه وضع کنونی بسی سودمندتر و نتیجه دهنده تر خواهد بود.

نگرش ژرف و درست نسبت به حوادث گذشته داشتن، باعث تفسیر صحیح از تاریخ و تطبیق درست وضع موجود با گذشته ها و پیش بینی دقیق آینده میگردد.

شگفتا، خود را عمل کننده به تعلیمات بلند پایه قرآن و سنت گرانقدر محمد (ص) میدانیم و پیرو علی مینامیم، ولی به

تذکارها، یادآورهای، درسها و بینا کردنهاشان توجه نداریم، مگر این علی نیست که بانگ بر میدارد:

إِنَّ مِنْ صَرَحَتْ لَهُ لَيْبَرٌ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الثَّلَاثِ؛ حَجَرَةٌ
التَّوْفَى عَنْ نَقَحِ الشَّهَاتِ.^۱

وہاں تیک بشنوید و بنوشید:

هر کس که به حوادث جهان، وقایعی که از سر خلقها می-
گذرد، زیرورو شدنهای و پست و بلند روزگار، به روشنی و با دیده باز
و گوش شنوا بنگرد، عناصر تشکیل دهنده هر یک و عوامل پیروزی و
شکست هر کدام را آشکارا درک کند؛ مجهز به چنان سپر نگهدارنده
و وسیله شایسته و به هدف رساننده ای خواهد شد که هرگز در
نوابر پیشامدها دچار اشتباه نمیگردد، دست و پای خود را گم
نمیکند و برای تشخیص راه درست و وظیفه واجب به سرگیجه
دچار نمیکردد.

با مطالعه در حوادث گذشته، به قدری وضع موجود و آینده،
برای خود آن بزرگوار روشن بود که بدون هیچ تردیدی، با قاطعیت
خاص پیمبران، آن شاگرد شایسته و راستین وحی و نبوت، به آدم
نماهای روزگار - روزگار خودش و روزگاران آینده تا آنجا که
موج صدایش منعکس میشود - فریاد میزند:

فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَقْصُرْ جَبَارِيٍّ قَطْرًا إِلَّا بَعْدَ تَمْهِيلٍ وَرِخَاءٍ، وَلَمْ
يَجْبُرْ عَظَمَ أَحَدٍ مِنَ الْأُمَمِ إِلَّا بَعْدَ أَزَلٍ وَبَلَاءٍ...

وای به خواب رفتگان و از ستم ستمگران در لال خود فرو
رفته! ای گوسفندانی که از ترس یک حمله کابیاب گرگ چنان به
هراس و وحشت افتاده اید که میندازید سرنوشت گله تا ابد به دست
گرگ افتاده است! از غفلت و ذلت بیرون آمده گوش دهید تا قانون
ابدی خلقت را به گوشتان بخوانم:

(۱) قسمتی از خطبه ۱۶ نهج البلاغه

(۲) قسمتی از خطبه شماره ۸۷ نهج البلاغه

این ناموس آفرینش است، تاکنون هیچ ستمگر جباری را خدا دردم نکوینده است مگر پس از مدتها جولان دادن و خوشگذرانی و خود را کامیاب دیدن، هر سرکش بیچاره‌ای چنان در دریای ستمگری و زورگوئیهایش غرقه میشود که جز خود هیچکس را نمی‌بیند و بساط خود را تا همیشه پایدار ندارد و حتی دستگاه آفرینش را هم با تمام عظمت درخلمت هوا و هوس خود میداند و هر روز دلیل وینه‌ای برای تأیید این پندار به مسحوران و مرعوبان ارائه میدهد؛ همینکه خوب از جهان و جهانیان بیخبر شد و در دریای غفلتش غرقه گردید، رعدی هول‌انگیز و گوشخراش از بهم خوردن دست ستم‌دگان به گوشش میرسد و او را بیدار میسازد، اما دیگر کار از کار گذشته است.

و همین ناموس آفرینش درباره مستضعفان و زیر پا افتادگان هم که پس از مدتها خواب غفلت به خود آمده مستقدر میگردند نیز به همین منوال عمل میکند؛ تا خفته‌اند لگد کوبند، تا پذیرای توسری هستند، میخورند، ولی همین ضربه‌ها بالاخره آنانرا بیدار و هشیار میسازد و شکسته‌بندهایی دانا و متهور استخوانهای شکسته‌شانرا اصلاح میکنند.

بنگريد آن دانای روزگار و آموزگار بزرگ تاريخ درباره بنی‌امیه چه میفرماید. بنی‌امیه‌ای که تا آنروز فقط يك خليفه داشته‌اند و چند امير، اما خواب حکومت کردن بر جهان اسلام را می‌پنداشتند؛

حَتَّى يَظُنُّ الظَّالِمُ أَنَّ الدُّنْيَا مَقُولَةٌ عَلَى بَنِي أُمَيَّةٍ، تَمْسُحُهُمْ دَرَاهِمٌ وَتُورِدُهُمْ صَفْوَاهَا، وَلَا يَرْفَعُ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَوْطُهَا وَسَيْفُهَا! وَكَلَّمَ الظَّالِمُ لَذَلِكَ، بِلَهْوٍ مَجَّهٍ مِنَ لَذِيذِ الْعَيْشِ يَطْعَمُونَهَا بُرْهَةً، ثُمَّ يَلْفِظُونَهَا جُمْلَةً^۱.

کوه نگران و آنانکه مرعوب وضع موجود میباشند گمان میکنند که جهان برای همیشه در اختیار و زیر سلطه بنی‌امیه است، تمام درآمدهای خود را بدانان میدهد، و برگزیده‌ترین نعمتهایش را تقدیم آن گروه میکند، ولذا هرگز تازیانه شکجه‌شان و شمشیر

قهرشان از سر این خلق برکنار نگرده؛ در حالیکه این پنداری
بی اساس و ارزیابی شتابزده ای است، اگر به زیربنای این حکومت
پوشالی توجه کنند، چنانچه سرنوشت گردنکشان دیگر امیدانستند،
در صورتیکه به رفتارشان با مردم و طرز تلقیشان از امت نیک ننگرند؛
سرتاسر دوران نکتبانشان را تنها به صورت لقمه ای لذیذ میدیدند
که آزمندان برای لحظه ای در دهن میگردانند و میچشند، و سپس
یکباره آنرا به بیرون پرت میکنند.

اگر در روزگار علی این سخن برای قشریان و افراد جَبون
سختی باور نکردنی بود، برای ما که از دوران نودساله بنی امیه
بیک باخبریم، گفتاری درخشان و پرمغز و بسی آموزنده و پربها
است. فاعتبروا یا اولی الابصار!

جلد سوم، «فاجعه جمل»، منتشر شده بود که پاسخی از سوی
نویسنده پرمایه دریافت داشتم. ترجمه جلد دوم را که برایش
فرستاده بودم دریافت داشته خیلی اظهار خوشوقتی میکرد، و سخنانی
تشویق آمیز و دلگرم کننده برای مترجم در برداشت و اشعار داشته
بود اکنون که از شغل دولتی (استادی دانشگاه و مشاور حقوقی
ریاست جمهوری) بازنشسته شده ام، اگرچه به علت یکبارگی تا
اندازه ای بیمار گردیدم ولی بالاخره با وضع موجود خود کرده
آرامش خاطری یافتم. این ترجمه - که وصف آنرا قبلاً از لبان
برایم نوشته بودند - مرا بر آن داشت که در این سن به آموختن
فارسی پردازم و ترجمه را خود بخوانم. در پاسخ تقاضای من
برای شرح حالش نوشته بود: اگرچه مشکل است شخص درباره
خودش چیزی بنویسد، لیکن به زودی شرح حالم را همراه با
تصویری از خود برایت میفرستم. اما تاکنون که جلد چهارم
منتشر میشود نرسیده است. امیدوارم تا انتشار جلد پنجم برسد و
بتوانم آنرا در آن کتاب به خوانندگان علاقمند ارائه دهم. ضمناً
وعده کرده بودند که ایام فراغتشان را با نوشتن کتابی درباره امام
حسین (ع) بپرکنند. به امید آنروز که ترجمه آن کتاب پردازش را

نیز تقدیم دوستداران فارسی زبان آنحضرت کنم.

کتاب حاضر که حلقه‌ایست از زنجیر تاریخ تحلیلی نیمقرن اول اسلام، و ضمناً خود کتابی است مستقل، به شیوهٔ دیگر جلدها واقعۀ صیفین - این حادثۀ کُبری که جهان اسلام را دچار تفرقه و چنددستگی کرد - را با تمام جزئیات تجزیه و تحلیل، انگیزه‌های معاویه و مشاور حیلہ گرش عمرو عاص را بررسی و وسایل بلید و ناپاکشاندن را برای رسیدن به هدف نامقّص که برافروخته شدن جنگ و فریفتن مردم و استفاده‌های غیر انسانی از دین و حیثیتها و غیره میباشد بازرنگری بیان میدارد. شخصیت‌های عوام‌فرب سپاه معاویه، و قهرمانان پرافتخار و یا اخیاناً مست عنصر، حزب خدا را با سابقه و نیات و رفتار و گفتار معرفی میکند و شاید هیچ‌نکته‌ای را در اینباره فروگذار نمی‌کند.

قضیهٔ توطئه‌های معاویه در هنگامی که شکست را به چشم می‌بیند، قرآن برافراشتن بر سر نیزه‌ها و قضیهٔ حَکِیَّت و حَکَم شدن ابو موسی و مسألهٔ پردرد و اسفبار خوارج مطالبی است که در این جلد آغاز میگردد و شرح آن در جلد پنجم «بازی حَکِیَّت» دنبال میشود. امید آنکه توفیق انتشار جلد های بعد نیز نصیب گردد.

اول ماه رمضان ۱۳۹۲

مهرماه ۱۳۵۱

مترجم